



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2026, 6(4): 45-59

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

A Fiqh Treatise on the Duty of the Islamic State in the Cultural Security of the Sphere of Behavior

Nazer Hossein Fahimi^{*1}

Received:

06 May 2025

Revised:

14 Jul 2025

Accepted:

19 Aug 2025

Available Online:

22 Dec 2025

Keywords:

Islamic Government,
Cultural Security,
Jurisprudence,
People's Behavior,
Officials' Behavior.

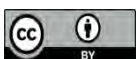
Abstract

The issue of security, including cultural security, is one of the fundamental concerns of governmental authorities. In Islam, it also holds significant importance. Given the prominence of cultural security, the impact of behaviors on it and the reliance of the Islamic government on jurisprudential principles, it is necessary to investigate this issue with a jurisprudential approach in the realm of conduct. This article, utilizing a descriptive-analytical method, concludes that from a jurisprudential perspective, the Islamic government's duty in the domain of behavior, in terms of positive actions, involves: Fostering behaviors that contribute to cultural security by the populace, such as adherence to Islamic customs, hijab, veneration of religious symbols, etc. and by officials, such as commitment to religious directives, accepting advice, seeking consultation, etc. Conversely, in terms of negative actions, it involves: Confronting behaviors that disrupt cultural security by the populace, such as innovation (bid'ah), imitation of disbelievers (tashabbuh bi al-kuffar), etc. and by officials, such as abuse of power, elitism and so on.

1* Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

(Corresponding Author) Email: bashia020@gmail.com

Please Cite This Article As: Fahimi, NH (2025). "A Fiqh Treatise on the Duty of the Islamic State in the Cultural Security of the Sphere of Behavior". *Interdisciplinary Legal Research*, 6(4): 45-59.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۴۵-۵۹)

جستار فقهی در وظیفه دولت اسلامی در امنیت فرهنگی عرصه رفتار

ناظر حسین فهیمی*

۱. استاد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده

مسئله امنیت، از جمله امنیت فرهنگی از مسائل اساسی حوزه حاکمیتی دولت‌ها است. در اسلام نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. با توجه به اهمیت امنیت فرهنگی، تأثیر رفتارها در آن و اتکای دولت اسلامی بر مبانی فقهی، ضرورت دارد که این مسئله با رویکرد فقهی در عرصه رفتار تحقیق شود. مقاله حاضر در این راستا، بر پایه روش توصیفی - تحلیلی به این یافته رسیده است که از منظر فقه اسلامی، وظیفه دولت اسلامی در عرصه رفتار از جهت ایجابی عبارت است از: زمینه‌سازی وقوع رفتارهای تأثیرگذار در تحقق امنیت فرهنگی از جانب مردم، مانند تقید به آداب اسلامی، حجاب، تعظیم شعائر دینی و ... و از ناحیه کارگزاران، مانند پابندی به دستورات دینی، نصیحت‌پذیری، مشورت‌پذیری و ... و از جهت سلبی عبارت است از: مقابله با رفتارهای مخل امنیت فرهنگی از ناحیه مردم، مانند بدعت، تشبه به کفار و ... و از جانب کارگزاران، مانند سوءاستفاده از قدرت، اشرافی‌گری و ...

کلمات کلیدی: دولت اسلامی، امنیت فرهنگی، فقه، رفتار مردم و رفتار کارگزاران.

مقدمه

امنیت مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک همه افراد بشر از گذشته تاکنون بوده است. در اسلام نیز امنیت، مخصوصاً امنیت فرهنگی، از جایگاه مهمی برخوردار است و در آیات (نور/۵۵؛ نحل/۱۱۲) و روایات (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۹۴/۷۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰) فراوان مورد تأکید قرار گرفته است. توجه به امنیت فرهنگی در جهان مخصوصاً بعد از تحولات دهه‌های اخیر همچون پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی و اطلاعات چند برابر شده است، چراکه فرهنگ و ایدئولوژی در برقراری و حفظ امنیت تأثیر به‌سزایی پیدا کرده‌اند که نادیده‌انگاشتن آن می‌تواند منجر به ناامنی در کشورها شود. بر این اساس، امنیت فرهنگی به یکی از مباحث روز در حوزه حاکمیتی کشورها تبدیل شده و بازیگران سیاسی به‌دنبال رسیدن به سازوکارهایی هستند که به‌وسیله آن بتوانند در مقابل هجوم‌های فرهنگی بازیگران ملی و بین‌المللی محفوظ بمانند. علی‌رغم اهمیت فوق‌العاده امنیت فرهنگی، در جوامع اسلامی به این مهم آن‌طوری که باید توجه نشده است، لذا این سهل‌انگاری سبب شده است که انحطاط فرهنگی به یکی از معضلات و چالش‌های جدی، عمیق و گسترده جوامع اسلامی تبدیل شود، مانند تهاجم فرهنگی، وابستگی فرهنگی، گسترش خرافات، بدعت‌ها، حضور رسانه‌ها، مجلات و کتب گمراه‌کننده، ماهواره‌ها و فضای مسموم مجازی، افزایش قداست‌زدایی از دین و شعائر دینی، گسترش ترویج فساد و رذایل اخلاقی، سست‌شدن بنیان خانواده و ...

مسئله تأمین امنیت فرهنگی از جوانب گوناگون قابل پژوهش است، اما با توجه به نقش اساسی دولت‌ها، از جمله دولت اسلامی در تأمین امنیت، اتکای دولت اسلامی در روابط داخلی و خارجی و از جهت تئوری و عملی به فقه اسلامی و تأثیر رفتارها و کنش‌ها در امنیت فرهنگی، این پرسش اساسی مطرح شود که «وظیفه دولت اسلامی در امنیت فرهنگی از منظر فقه عرصه رفتار چیست؟»، مقاله حاضر به‌دنبال پاسخ به این پرسش، درصدد است به‌منظور پرکردن خلأ پژوهشی موجود در این موضوع و زمینه‌سازی برای تحقیقاتی بعدی در این زمینه، این مسئله را براساس روش توصیفی - تحلیلی با استناد و استدلال به منابع فقه مخصوصاً آیات و روایات، دیدگاه فقها و قواعد فقهی مورد بحث و بررسی قرار بدهد. از آنجا که درباره امنیت با رویکرد فقهی به‌طور کلی تحقیقاتی جامع و کامل صورت نگرفته است و درباره وظیفه دولت اسلامی در امنیت فرهنگی با

رویکرد فقهی در هیچ‌یک از زمینه‌های آن هنوز پژوهشی مستقل، حتی در سطح مقاله علمی صورت نگرفته است، پژوهشی مستقل در این مسأله ضرورت دارد. از این‌رو، پژوهش حاضر در نوع خود تحقیق جدید به‌شمار می‌آید و با تأمل فقهی به این مسأله، می‌توان امکان پاسخگویی به چالش‌ها و مسائل امنیت فرهنگی پیش روی جهان اسلام را فراهم ساخت.

۱- مفاهیم‌شناسی

۱-۱- دولت اسلامی

واژه «دولت» در لغت به‌معنای «دیگرگونی در زمان و دست‌به‌دست‌گشتن مال و پیروزی در جنگ» است (فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۱۰۰/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۲/۱۱؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۳۷۴/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۲۲). در قرآن کریم در دو جا این لفظ به‌کار رفته است: آیه ۷ سوره و آیه ۱۴۰ سوره آل عمران. در آیه نخست، به‌معنای مال در گردش و در آیه دوم به‌معنای پیروزی دست‌به‌دست‌شده به‌کار رفته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ و ۸۴۵/۲ و ۳۹۲/۹) که رابطه نزدیک‌تری با دولت سیاسی دارد (کاشمیری، ۱۳۸۸: ۲۵). از روایات نیز معنای دست‌به‌دست‌شدن قدرت و پیروزی استفاده می‌شود (دیلمی، ۱۴۱۲: ۷۱/۱؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳۱).

در اصطلاح می‌توان گفت مفهوم دولت به سه معنا به‌کار برده می‌شود: ۱- به‌معنای کشور و جامعه سیاسی (جمالی، ۱۳۸۰: ۲۳۶؛ شاول، ۱۳۸۹: ۱۳۳)؛ ۲- به‌معنای قوه مجریه و نهادهای زیرمجموعه آن (عالم، ۱۳۸۴: ۱۳۶)؛ ۳- به‌معنای حکومت (وینسنت، ۱۳۷۶: ۵۷). اگر دولت را قدرت سیاسی سازمان‌یافته‌ای که امرونهی می‌کند، تعریف کنیم، در این صورت مترادف و هم‌معنا با حکومت شده و هر دوی آن چنین تعریف می‌شود: «هیأت حاکمه که قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، قضاوت، اجرا و برقراری نظم و امنیت را برعهده دارند» (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۹۴/۱؛ واعظی، ۱۳۸۳: ۲۹؛ رنی، ۱۳۷۴: ۱۳). در این پژوهش مراد از دولت، مترادف و هم‌معنا با حکومت است.

دولت اسلامی که از دو واژه «دولت» و «اسلام» ترکیب یافته، عبارت است از: «هیأت حاکمه برخاسته از فلسفه و اندیشه اسلامی که قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، قضاوت، اجرا و برقراری نظم و امنیت را برعهده دارند.» بر این اساس، حکومت اسلامی اشاره به وجود سازمانی دارد که تمامی ارکان و اجزای

۱- مجموعه سازمان‌ها و نهادهای موجود در قدرت سیاسی حاکم بر جامعه.

آن برخاسته از فلسفه و اندیشه اسلامی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۷/۱؛ نوروزی، ۱۳۹۴: ۶۲).

۱-۲- امنیت فرهنگی

واژه «امنیت» در لغت به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰؛ فیومی، بی‌تا: ۲۴/۲؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۲۰۷۱/۵). در قرآن کریم نیز هر جا کلمه امنیت به کار رفته، به معنای اطمینان، آرامش و عدم تهدید و ترس است (بقره/۲۵؛ عنکبوت/۶۷؛ آل عمران/۱۵۴؛ انعام/۸۲؛ قریش/۳-۴). در روایات معصومان (ع) نیز «امنیت» به همین معنا استفاده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۷۹/۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۷۰/۷۸).

برخلاف معنای لغوی، نسبت به معنای اصطلاحی «امنیت» در دانش سیاسی، اجماع وجود ندارد، بلکه بیش از ۱۵۰ تعریف متفاوت و حتی متعارضی از امنیت ارائه شده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۱). نظر به این که «امنیت» از مفاهیم سازه‌ای بوده و نیاز به تعریف سازه‌ای دارد، تعریفی که جامع‌تر به نظر می‌رسد این است: «امنیت به معنای دستیابی به وضعیتی است که «الف» با انجام دادن یا انجام ندادن اقداماتی، از آسیب، تعرض و تهدید «ب» محفوظ و مصون باشد تا به «ج» برسد یا در وضعیت «ج» باشد (لکزایی، ۱۳۹۳: ۲۰۶-۱۸۱)، به حیثی که آرامش روانی تولید کند.» طبق این تعریف، هر مکتب و نظریه امنیت این سازه را با نظام فرهنگی و ارزشی خودش می‌سنجد. نظریه امنیت اسلام که متعالیه است، مفهوم امنیت را با امنیت ابدی گره می‌زند، یعنی تقدیم ارزش‌های الهی بر ارزش‌های مادی و انجام دادن کارهای که امنیت ابدی، لقا و رضای الهی در آن است و ترک هر کاری که غضب خدا در آن است.

واژه «فرهنگ» در لغت به معنای تیزهوشی و زیرکی در ادراک و فهم اشیا، استاد و ماهر شدن و بهره‌مندی از علم، ادب و تربیت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۹/۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۹/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۳). در قرآن به معنای یافتن (بقره/۱۹۱؛ انفال/۵۷) و پیداشدن (احزاب/۶۱) به کار رفته است، اما در اصطلاح صاحب‌نظران فرهنگ‌شناس، تاکنون بیش از ۱۶۴ تعریف برای آن شده است (جعفری، ۱۳۹۰: ۹؛ آشوری، ۱۳۸۱: ۱۸). فرهنگ از جهت توصیفی چنین تعریف گردیده است: «فرهنگ یا تمدن ... کلیت درهم‌تافته‌ای است، شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه

توانایی و عادت‌هایی که آدمی در جامعه به دست می‌آورد» (آشوری، ۱۳۸۱: ۴۷-۶۵). به نظر می‌رسد جامع‌تر از همه، همین تعریف توصیف‌گرایانه است، زیرا در این تعریف سایر تعاریف نیز تا حدودی لحاظ شده است.

بر این اساس، هرگاه منظور از «فرهنگ» مجموعه عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها و راه و رسم زندگی باشد، فرهنگ اسلامی عبارت است از «مجموع عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها و راه و رسم زندگی برگرفته شده از دین اسلام»؛ «امنیت فرهنگی» که متشکل از دو واژه «امنیت» و «فرهنگ» است، عبارت است از: «ایجاد وضعیتی مطمئن، آرام‌بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض که انسان نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و ... تدارک دیده است» (علی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۵-۱۲۲).

۳-۱- فقه

واژه «فقه» در لغت به معنای «علم به چیزی، فهم چیزی» (فیروزآبادی، بی‌تا: ۲۲۴/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۲۰/۴؛ فیومی، بی‌تا: ۴۷۹/۲) و «فهم عمیق و دقیق» (فیروزآبادی، بی‌تا: ۲۲۴/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۷؛ زرکشی، ۱۴۰۵: ۱۲/۱) است. از قرآن نیز معنایی فراتر از فهم عمومی، یعنی فهم دقیق استفاده می‌شود (اسراء/۴۴؛ توبه/۸۷). در اصطلاح مشهورترین تعریفی که از دانش فقه ارائه شده و به عنوان یک مبنا مورد توجه قرار گرفته، تعریف فخرالمحققین (م ۷۷۱ ق) است: «علم به احکام شرعی فرعی که با استدلال از روی دلیل‌های تفصیلی آن به دست آمده است» (حلی، ۱۳۷۸: ۲۶۴/۲). دیگران فقه را براساس تعریف ایشان، با اندک تغییراتی تعریف کرده‌اند (عاملی جزینی (شهید اول)، بی‌تا: ۳۰/۱؛ اکبری، ۱۳۹۲: ۳۵). با اضافه شدن پسوندی مثل سیاست، امنیت، اجتماع، اقتصاد و ... به واژه فقه، معنای آن خاص می‌شود. بر این اساس «فقه امنیت»، بخشی از فقه است که مسائل امنیت را مورد بحث قرار می‌دهد، البته مراد از «فقه امنیتی» به عنوان موصوف و صفت و نه اضافه، وصف احاطه‌کننده بر فقه از نگاه امنیت است (علی‌دوست، ۱۳۹۴: ۲۶-۵). در این پژوهش مراد از فقه، فقه اهل بیت (ع) بوده و عبارت است از: استدلال و استناد به منابع فقه (مخصوصاً آیات و روایات)، دیدگاه فقها، قواعد و اصول فقهی.

۲- دولت اسلامی و امنیت فرهنگی

باتوجه به اهداف دولت اسلامی که در جای خودش بررسی شده است، در برخی از احکام فقهی نه تنها هیچ یک از اهداف حکومتی به چشم نمی خورد، بلکه نسبت به آن به شرط لا هستند، همچون نماز فرادا، روزه و ... برخی احکام نسبت به اهداف حکومتی به شرط شیء هستند، مانند حدود، دفاع، قضاوت و ... برخی دیگر از احکام فقهی نسبت به اهداف حکومتی لا به شرط هستند، نظیر نماز جماعت (ضیایی فر، ۱۳۹۲: ۲۴۹). این نسبت سنجی احکام فقهی با اهداف حکومتی، نشان می دهد دولت اسلامی فی الجمله حق دخالت در امور فرهنگی و دینی مردم را دارد و شامل امور فرهنگی و دینی حوزه شخصی افراد نمی شود، چون احکام فردی نسبت به اهداف حکومتی به شرط لا هستند، چنان که مقتضای تناسب حکم و موضوع، اصل حرمت تجسس، اصل عدم ولایت و اصل اضطرار نیز چنین است و این اصول سبب می شود که دولت نسبت به لا به شرطها نیز حق دخالت نداشته باشد، اما حق دخالت نداشتن دولت در امور شخصی و اجرای احکام فردی، به این معنا نیست که دولت نسبت به تقویت اعتقادات و دینداری مردم هیچ گونه مسؤلیتی ندارد، بلکه باید دولت برای تقویت دینداری مردم زمینه سازی کند و برنامه های مفید و مؤثری در این عرصه ترتیب بدهد.

۳- وظیفه دولت اسلامی در زمینه سازی تحقق امنیت فرهنگی

در عرصه رفتار

رفتارهای تأثیرگذار در تحقق امنیت فرهنگی، به طور کلی در دو عرصه قابل دسته بندی هستند: یکی رفتارهای مردم و دیگری رفتارهای کارگزاران. وظیفه دولت اسلامی در تحقق امنیت فرهنگی نسبت به زمینه سازی وقوع رفتارهای تأثیرگذار مردم در امنیت فرهنگی به صورت غیرمستقیم و نسبت به زمینه سازی وقوع رفتارهای تأثیرگذار کارگزاران در این زمینه به صورت مستقیم است. در اینجا به عنوان نمونه برخی رفتارهای مردم و کارگزاران که تأثیرگذاری آنها در تحقق امنیت فرهنگی بیشتر هستند، از منظر فقه اسلامی مورد واکاوی قرار می گیرد. طبیعتاً وظیفه دولت اسلامی این است که زمینه تحقق چنین رفتارهایی را فراهم سازد تا زمینه تحقق امنیت فرهنگی هموار گردد.

۳-۱- زمینه سازی تحقق رفتارهای تأثیرگذار مردم در امنیت

فرهنگی

وظیفه دولت اسلامی در اینجا به طور کلی این است که زمینه تحقق چنین رفتارها را از جهت تأمین امنیت و آگاهی بخشی و ...

فراهم سازد و در صورت نیاز به حمایت مادی، از بیت المال تأمین شود. چون این مسأله جزء مصالح جامعه اسلامی است و «مصالح» عنوان کلی بوده که مصادیق متعددی را دربر می گیرد (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴: ۵۶/۳) که همه آنها جزء اولویتهای حاکم اسلامی به شمار آمده و در صورت نیاز باید از بیت المال تأمین شود (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴: ۳۵۰/۱۳).

۱-۱-۳- تقید به آداب اسلامی

آداب باتوجه به خاستگاه آن به آداب دینی و آداب غیردینی قابل تقسیم است. آداب اسلامی، جلوه ظاهری آن است. بنابراین مؤمن و مسلمان بودن با هر نوع رفتاری سازگاری ندارد. آداب اسلامی آن نوع ظاهری است که با معتقدات و ارزشهای دینی سازگار باشد. تقید به آداب دینی برای همه افراد لازم است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۲۵۷/۱۰). یکی از آداب دینی که زمینه ساز تحقق امنیت فرهنگی به حساب می آید، مراعات کردن محرمات و مرزهای جنسی است. حرمت نگاه کردن به نامحرم از احکام مورد اجماع بین فقهاست (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۷۵/۲۹). در روایات نگاه به نامحرم مقدمه گناهی مثل زنا دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳۸/۱۴). همچنین وجوب پوشش اسلامی برای زن از احکام مورد اجماع بین فقهای شیعه و سنی است (حلی (علامه)، ۱۴۱۴: ۴۴۸/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳/۲ و ۷۷/۲۹؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۶۹/۲). باتوجه به نقش پیشگیرانه آن، از سازوکارهای مهم مقابله با تهدیدات تهاجم فرهنگی به حساب می آید. به همین دلیل قدرت های غربی مبارزه وسیع علیه حجاب اسلامی در جوامع اسلامی انجام داده و می دهند، از قبیل کشف حجاب در عصر پهلوی ایران (مدنی، بی تا: ۱۲۵/۱)، افغانستان در عصر امان الله خان (عبدلی، ۱۳۹۱: ۳۵۶) و دوره آتاترک در ترکیه اوایل قرن بیستم میلادی (لکزایی، ۱۳۹۲: ۵۸-۳۱). نتیجه این می شود که تقید به آداب اسلامی نقش اساسی در امنیت فرهنگی دارد. وظیفه دولت اسلامی در این زمینه، از جمله این است که بیش از همه باید دستگاه حاکمه خود مقید به رعایت اخلاق اسلامی و رعایت احکام فقهی باشند تا برای دیگران الگو تلقی شود و با نظارت بر اماکن عمومی زمینه تحقق پوشش اسلامی و رعایت حدود محارم در برخوردها و روابط اجتماعی را فراهم سازد.

۱-۳-۱-۳- امر به معروف و نهی از منکر

این دو فریضه جزء مهم‌ترین احکام اجتماعی اسلام و از واجبات قطعی و اجماعی مسلمانان است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۵۳/۲۱؛ غزالی، ۱۴۰۶: ۳۳/۲). بر وجوب این دو فریضه آیات و روایات متعددی دلالت دارند، از جمله (آل عمران/ ۱۰۴ و ۱۱۰؛ اعراف/ ۱۹۹ و ۱۵۷؛ مجادله/ ۲۲؛ عصر/ ۳؛ تیمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۰۴؛ نهج‌البلاغه، نامه ۴۷). امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرتبه است: ۱- قلبی؛ ۲- زبانی؛ ۳- عملی (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۱۵/۱؛ حکیم، ۱۴۱۰: ۴۸۹/۱). هدف از عمل کردن به امر به معروف و نهی از منکر، روی آوردن مردم به معروف‌ها و دوری از منکرات است. اگر این مقصود در مرتبه اول آن حاصل شود، نیاز به استفاده از مراحل بعدی آن نیست. مرتبه اول و دوم بر عموم مکلفین اعم از حاکم و غیرحاکم واجب است؛ مرحله سوم که برخورد فیزیکی و عملی است مختص حکومت است (ابن براج ۱۴۰۶: ۴۳۱/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۸-۳۹). این دو فریضه آثار و برکات زیادی در پی دارد، همچون انجام واجبات، ایجاد امنیت، برطرف شدن مفسدات از جامعه و اجراء شدن سایر احکام الهی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۹۵/۱۱). ترک آن آثار ناگوار بسیاری در پی دارد، مانند پیشامدهای ناگوار، انحطاط و هلاکت جامعه (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۰/۱۶)، دوری از رحمت الهی (مائده/ ۷۸-۷۹؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲)، تسلط اشرار، سفیهان و مفسدان در جامعه (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۹۴/۱۱)، نزول بلا و عقوبت الهی است (اعراف/ ۱۶۶-۱۶۴)، دیگرگونی ارزش‌ها (بقره/ ۱۶۹ و ۲۶۸؛ توبه/ ۶۷؛ نور/ ۲۱). به اتفاق فقها گستره امر و نهی شامل امر و نهی مردم نسبت به حاکمان و کارگزاران نیز می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۶۲/۱۱) و در دستور اُکید پیامبر اسلام (ص) به آن تصریح شده است: «... النَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۶۶/۶۵). نتیجه این می‌شود که مهم‌ترین سازوکاری که کل مسلمانان به وسیله آن می‌توانند در تحقق امنیت فرهنگی تأثیرگذار باشند، این دو فریضه است. وظیفه دولت اسلامی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم، از جمله این است که اولاً با استفاده از امکانات و ظرفیت‌هایی که در اختیار دارند، مردم را با معروف و منکر آشنا سازند؛ ثانیاً امنیت امر به معروف و نهی از منکر را تأمین کند.

۱-۳-۱-۳- جهاد

جهاد از جهت شیوه تلاش و کوشش به جهاد اصغر (جهاد مسلحانه)، جهاد اکبر (جهاد با نفس) و جهاد کبیر (جهاد

فرهنگی) تقسیم می‌شود. هر کدام از این انواع جهاد، به شکلی نقش اساسی در زمینه‌سازی تحقق امنیت فرهنگی دارد. جهاد اصغرگونه‌ای خاص از تلاش و مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر الهی یا دفاع از آن‌ها است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳/۲۱). براساس آیات و روایات برای جهاد اهداف عالی‌های متعددی مشخص شده است، از قبیل گسترش توحید و خداپرستی و برچیده شدن فتنه از روی زمین (بقره/ ۱۹۳؛ انفال/ ۳۹)، رفع هرگونه ظلم و ستم (نساء/ ۷۵؛ حج/ ۳۹)، نمایش اقتدار سپاه اسلام (توبه/ ۱۲۳)، فرصت تفکر برای گمراهان (انفال/ ۳۸) و اصلاح و تربیت خود مسلمانان و افزایش درجه ایمان آنان (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۹۹؛ شبان‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۷).

جهاد کبیر که از آن تحت عنوان جهاد فرهنگی یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵۰/۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۶۳/۱۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۲۹/۱۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۷۴/۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۸۶/۳)، با توجه به آیه ۵۲ سوره فرقان: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»، شامل هر نوع جهاد غیرنظامی می‌شود. جهاد اکبر عبارت است از مبارزه و مخالفت با نفس و خواهش‌های آن که انسان را وادار به مخالفت با خداوند متعال و سرپیچی از دستورهای او می‌کند. توجه به جهاد اکبر به حدی مهم است که اگر علم و رشد فکری مردم در جامعه بدون معنویات و تهذیب اخلاق باشد، می‌تواند منجر به انحراف مردم شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۲۳)، لذا امام علی (ع) جهاد با نفس را بالاترین نوع جهاد دانسته است (تیمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۳). بنابراین هر کدام این‌ها زمینه‌سازی تحقق امنیت فرهنگی است، زیرا هر سه نوع جهاد از ارزش‌ها و عقاید و باروهای مردم در برابر جوامع دیگر محافظت می‌کند و اجازه تعدی و تهاجم فرهنگی را از سایرین می‌گیرد. وظیفه دولت اسلامی در این زمینه مدیریت و زمینه‌سازی تحقق انواع جهاد در جامعه است.

۱-۳-۱-۴- حجاب

حجاب و عفاف نسبت به استحکام فرهنگ جامعه در برابر نفوذ ترفندهای فرهنگی استعماری بیگانگان، نقش کلیدی دارد. همان‌طور که رعایت حجاب نقش اساسی در امنیت فرهنگی دارد، بی‌حجابی و بدحجابی نیز ویروس خطرناکی است که نه‌تنها پیکره قداست و ارزش زنان را خدشه‌دار می‌کند، بلکه پیامدهای آن مانند ابتدال و سقوط شخصیت زن (مکارم

حج/ ۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱؛ عاملی جزینی (شهید اول)، بی تا؛ ۳۴۰/۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۵۸/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۲۱؛ حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ۴۱۰/۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۳۳۴/۴؛ همدانی، ۱۴۱۶: ۵۷۹/۱۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۳۲۷/۱۳.

۲-۳- زمینه‌سازی تحقق رفتارهای تأثیرگذار کارگزاران در امنیت فرهنگی

رفتارهای حاکمان و کارگزاران دولت اسلامی در حفظ اعتقادات و ارزش‌های دینی نقش اساسی دارند، چراکه آنان با در اختیار داشتن منابع قدرت و ثروت می‌توانند در راستای حفظ و تقویت دین سیاست‌گذاری نمایند و فرهنگ اسلامی را تعمیق و گسترش بدهند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در یک فرمایش بسیار زیبا نقش اساسی حاکم عادل در حفظ دین و هدایت مردم را تشریح فرموده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴). به همین علت است که در فقه، برای حاکم عادل صفات و شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷: ۶۱/۱۷). در این قسمت به‌عنوان نمونه، از منظر فقه برخی رفتارهای تأثیرگذار کارگزاران در امنیت فرهنگی همچون پایبندی به دستورات دینی، مشورت‌پذیری، نصیحت‌پذیری، امر به معروف و نهی از منکرپذیری و عدالت‌گرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳- پایبندی به دستورات دینی

تردید نیست که پایبندی کارگزاران دولت اسلامی به دستورات دینی نقش اساسی در زمینه‌سازی تحقق امنیت فرهنگی دارد و در صورت عدم پایبندی به دستورات دینی، از ستم بر رعیت ابایی نخواهند داشت و آثار ناگوار بسیاری در زمینه‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی در پی خواهد داشت (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). از نظر امام علی (ع) ارزش حکومت در حق محوری و پایبندی آن به دستورات دینی است. اگر لحظه‌ای بر محور باطل باشد، حتی از کفش بی‌ارزش وصله‌دار نیز بی‌مقدارتر است (نهج البلاغه، خطبه ۳۳). بنابراین کارگزاران در عمل به دستورات دینی، باید یک گام جلوتر از دیگران باشند، مهم‌ترین اثر آن این است که جلو استبداد و ستم حاکمان را می‌گیرد. شکی نیست که ستمگری زمام‌داران و سوءاستفاده از دین توسط آنان برای رسیدن به قدرت و حفظ آن، ارتباط مستقیم با استحاله و ناامنی فرهنگی و پایبندی آنان

شیرازی، ۱۳۹۷: ۲۹۲/۳)، سلب امنیت زنان (احزاب/۵۹)، گسترش فساد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۸۰۹/۲۲) دامن‌گیر جامعه نیز می‌شود و دیری نمی‌پاید که این ویروس خطرناک باعث ترویج فساد اجتماعی می‌شود و شیرازه خانواده‌ها را از هم می‌پاشاند. پیامدهای منفی آن، از جمله ناامنی فرهنگی به‌زیان جامعه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۵/۱۴). وظیفه دولت اسلامی در مسأله حجاب، حمایتی و اجرایی است که مهم‌ترین آن آسیب‌شناسی اسباب و علل بی‌حجابی و بدحجابی و آسیب‌زدایی و خنثی‌سازی آن است، نظیر آگاه‌سازی خانواده‌ها، جوانان و نوجوانان نسبت به فلسفه حجاب، حکم فقهی آن، اثرات و عواقب خطرناک بی‌حجابی و بدحجابی برای فرد و جامعه، کنترل مستقیم و غیرمستقیم اماکن عمومی، وضع قوانین پیشگیرانه اجتماعی و اخلاقی و انتخاب روش برخورد مناسب با بدحجابی و ...

۵-۱-۳- تعظیم شعائر دینی

«شعائرالله به معنای نشانه‌های پروردگار شامل سرفصل‌های آیین الهی، از جمله مناسک حج می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹۶/۱۴). واژه «شعائر» در قرآن در چهار مورد به کار رفته است (بقره/۱۵۸؛ مائده/۲؛ حج/۳۲ و ۳۶). خاستگاه عنوان «تعظیم شعائر» آیه ۳۲ سوره حج (نراقی، ۱۴۱۷: ۲۳) و به تبع آن روایات است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۱/۴؛ طوسی، ۱۳۷۸: ۲۰۴/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹۶/۱۴). در کلمات فقها فراوان به وجوب تعظیم شعائرالله و یا استحباب آن حکم شده‌اند و در بسیاری از مصادیق، این حکم جاری شده‌اند (نراقی، ۱۴۱۷: ۳۱). شعائر به شعائر زمانی، مکانی و مناسبتی قابل تقسیم است. شعائر دارای کارکردهای ویژه‌ای همچون روشنگری، هویت‌سازی مذهبی، ایجاد همسبستگی و انسجام و تربیتی است (لک‌زایی، ۱۳۹۲: ۵۸-۳۱)، لذا تعظیم آن در زمینه‌سازی تحقق امنیت فرهنگی نقش اساسی دارد. تعظیم شعائر اختصاص به مردم ندارد. از این رو، در برخی روایات به وظیفه‌مند بودن دولت اسلامی نسبت به آن تصریح شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۵)؛ بنابراین در قدم اول وظیفه دولت اسلامی در این مسأله زمینه‌سازی، فرهنگ‌سازی و حمایت‌های مادی و معنوی است. به‌عنوان نمونه عاشورا و زیارت اربعین، از جمله شعائر مهم مذهبی است که نیاز به حمایت‌های مادی و معنوی دارد و در قدم بعدی وظیفه دولت مقابله با ممتنعین از اقامه و ترویج تعظیم شعائر و هنجارشکنان این عرصه است (آل عمران/۱۰۴)؛

همه دولت‌مردان دولت اسلامی لازم است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۱۰۵/۱۳)، البته مشورت تنها در چگونگی اجرای احکام نه اصل احکام اختصاص دارد (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۷۷/۲). یکی از فواید مهم مشورت‌پذیری زمامداران، جلوگیری از استبداد آنان است (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱). حکومتی که از مشورت و پذیرش انتقاد و نظارت مردمی روی‌گردان باشد، بنای خود را بر استبداد قرار داده است. تردیدی نیست که حاکم مستبد برای حفظ قدرت و اطاعت بی‌چون و چرای مردم از او، فرهنگ جامعه را در راستای اهداف استبدادی خود تغییر می‌دهد، در این صورت جامعه به سمت هلاکت مادی و معنوی کشانده خواهد شد، در نتیجه مشورت‌پذیری در تأمین امنیت فرهنگی نقش مؤثری دارد.

۴-۲-۳- امر به معروف و نهی از منکرپذیری

پاسداری از ارزش‌ها و جلوگیری از هرگونه انحراف از خط مشی اسلام راستین، مسؤولیت مردم نیز است. این امر که در پرتو قیام به فریضه مقدس امر به معروف و نهی از منکر تحقق می‌یابد، ضامن رشد و تعالی جامعه و موجب به دورماندن زمامداران از هرگونه ظلم و اجحاف و سامان‌یافتن نظام سیاسی براساس خیر و صلاح مردم است (کریمی والا، ۱۳۷۸: ۲۰۷). در قرآن نیز به دلیل تأثیر عمیقی که این فریضه در اصلاح و از بین بردن پلیدی‌ها و موانع رشد و ترقی جامعه ایفا می‌کند، با تعبیرهای مختلف در خصوص قیام به امر به معروف و نهی از منکر نقل شده است (آل عمران/ ۱۰۴ و ۱۱۰؛ توبه/ ۷۱؛ حج/ ۴۱). در روایات نظارت بر دستگاه حاکمه در قالب امر به معروف و نهی از منکر، مهم‌ترین مصداق این فریضه محسوب شده است (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴). امام خمینی (ره) نیز چنین تأکید کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۳۳/۷). ترک این دو فریضه از سوی مردم نسبت به حاکمان و امر به معروف و نهی از منکرناپذیری آنان سبب نابودی جامعه و تحقیر دین خدا می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۰۷/۱۱). بعد از توضیح مختصر، تأثیر امر به معروف و نهی‌پذیری کارگزاران در امنیت فرهنگی کاملاً آشکار گردید.

۵-۲-۳- عدالت‌گرایی

فقه اسلامی به‌عنوان مجموعه دستورات عملی آیین اسلام و ترسیم کنند سبک زندگی مردم براساس فرهنگ دینی، به عدالت کارگزاران و عملکرد عادلانه آنان تأکید ویژه‌ای دارد، چراکه جامعه را تنها با رعایت عدالت و مساوات دینی می‌توان در مسیر الهی و درست قرار داد و هدایت کرد (تمیمی آمدی،

به دستورات الهی ارتباط مستقیم با امنیت فرهنگی دارد، چنان‌که امام علی (ع) بدان تصریح کرده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶).

۲-۲-۳- نصیحت‌پذیری

درباره اهمیت اصل نصیحت همین کافی است که در کلام امام علی (ع) از حقوق واجب الهی بر بندگانش قلمداد شده است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶). فقها نیز به اهمیت آن توجه نموده و با استناد به روایات (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۸/۲) در موارد حساس، آن را واجب شمرده‌اند، حتی «غیبت در مقام نصیحت» را جایز دانسته و از مستثنیات حرمت غیبت به‌شمار آورده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۷۶/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۶۷/۲۲). منظور از نصیحت‌پذیری کارگزاران این است که به نصیحت مردم توجه کنند. نصیحت دولت‌مردان توسط مردم، یک امر ریشه‌دار و پرسابقه است که در روایات متعددی به چشم می‌خورد. سرچشمه این عنوان، فرمایش پیامبر اکرم (ص) در حجه‌الوداع است و پس از آن، در بیانات ائمه (ع)، به‌عنوان یکی از مسؤولیت‌های امت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است (سروش محلاتی، ۱۳۷۵)، محدثان پرتلاشی مانند کلینی (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۳/۱)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۹۹/۲) و مجلسی (مجلسی، ۱۴۱۰: ۶۷/۲۷) در جوامع روایی، بابتی را به این عنوان اختصاص داده‌اند. وجود روحیه نصیحت‌گری در مردم نسبت به حاکمان، بیانگر پویایی فرهنگ اسلامی و میزان پابندی مردم به پایداری آن و نظام سیاسی دینی برای رسیدن به پیشرفت جامعه است. از طرف دیگر، نصیحت امت در کنترل و اصلاح حاکمان نقش اساسی دارد، لذا امام خمینی (ره)، بارها در بیانات خود از مسؤولیت عمومی مردم در نظام اسلامی سخن به میان آورده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۴۸/۸).

۳-۲-۳- مشورت‌پذیری

«مشورت» به‌ویژه در امور اجتماعی، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را با اهمیت خاصی مطرح کرده و یکی از مهم‌ترین اصول مطرح در سیاست اسلامی است. می‌توان گفت، یکی از عوامل موفقیت پیامبر (ص) در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۲/۳). در قرآن کریم نمونه‌هایی از مشورت شخصیت‌های تاریخی مانند مشورت ملکه سبا با سران کشور (نمل/ ۳۲)، مشورت فرعون با اطرافیان خود درباره قتل حضرت موسی (ع) (قصص/ ۲۰)، مشورت مؤمنان با همدیگر (شورا/ ۳۸) و مشورت پیامبر اکرم (ص) (آل عمران/ ۱۵۹) ذکر شده است. مشورت و تفاهم برای

تهدیدکننده امنیت فرهنگی از ناحیه مردم که دولت موظف است با آن‌ها مقابله کند، زیاد هستند، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین این نوع رفتارها، عبارت‌اند از: «ارتداد»، «بدعت» و «تشبه به کفار» که در اینجا به اختصار مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱-۴-۱- مقابله با رفتارهای مخل امنیت فرهنگی از ناحیه مردم

همان‌طور که رفتارهای شایسته مردم در تأمین امنیت فرهنگی نقش محوری دارند، رفتارهای ناشایست مردم و عدم پایبندی آن‌ها به دستورات دینی نقش اساسی در ناامنی فرهنگی دارند که در اینجا به برخی از آن‌ها که نقش بیشتری در اخلال امنیت فرهنگی دارند، اشاره می‌شود.

۱-۱-۴- ارتداد

ارتداد به معنای از دین برگشتن است (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۰۷/۴۱-۶۰۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۷۰/۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۱۱/۴-۱۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲/۸؛ مشکینی، بی‌تا: ۵۲). ارتداد از نظر فقهی، بر دو قسم است: ۱- ارتداد فطری: مرتد فطری کسی است که از پدر و مادر مسلمان به دنیا آمده و از اسلام خارج می‌شود. توبه مرتد فطری قبول نیست؛ ۲- ارتداد ملی: مرتد ملی کسی است که ابتدا غیرمسلمان بوده و بعداً مسلمان شده و دوباره از اسلام برمی‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۰/۲۴). یکی از مسائل مهم در بحث ارتداد، ملاک و معیار تحقق ارتداد است و آن عبارت است از انکار یکی از ضروریات دین از روی دشمنی، اعتقاد و یا استهزاء (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۳۳۴/۹؛ خوانساری، ۱۳۹۲: ۸۲۰). احکام ارتداد عبارت‌اند از: کشتن، فسخ عقد نکاح و تقسیم اموال بین ورثه (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۰۵/۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۷۰/۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۱۱/۴-۱۴). بلوغ، عقل و اختیار از شرایط تحقق ارتداد است که با وجود این سه شرط ارتداد محقق می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۸۳/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۶۰۹/۴۱؛ عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۳۴۱/۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۴۹۵/۲). قتل حکم مرتد مرد است. حکم مرتد زن، اعم از فطری و ملی، حبس ابد همراه با زدن است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۷۰/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۶۱۱/۴۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۲۴۳/۴). با توجه به کلمات برخی فقها (حلی (علامه)، بی‌تا: ۸۳/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۶۰۱-۶۰۰/۴۱؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۱۸-۴۱۷). شکی نیست ارتداد موجب تزلزل در اعتقادات دیگران می‌شود، در این صورت بدون تردید موجب تهدید امنیت فرهنگی شده، «حفظ

۱۳۶۶: ۳۳۹) و این نشان از رابطه حقیقی است که بین امنیت فرهنگی و عدالت برقرار است. امام علی (ع) به کارگزاران توصیه می‌کردند که در نگاه‌کردن، سلام‌کردن و حتی در اشارات، به صورت یکسان با مردم رفتار کنند. آن حضرت عدالت را زمینه برطرف‌شدن ظلم در ابعاد دیگر دانسته، تأکید می‌کند اگر در این زمینه یکسان برخورد نکنند، زورمداران، به تبعیض طمع می‌کنند و ضعیفان از عدالت مأیوس می‌شوند (نهج‌البلاغه، نامه ۴۶)؛ بنابراین تردیدی نیست که با توجه به جایگاه و کارکرد مهم عدالت و عدالت‌ورزی کارگزاران در امنیت فرهنگی، از منظر فقه عدالت برای همه کارگزاران نظام اسلامی و مخصوصاً کارگزارانی که موقعیت و مسؤولیت حساسی دارند، ضروری است.

۴- وظیفه دولت اسلامی در مقابله با عوامل مخل امنیت فرهنگی در عرصه رفتار

طبیعی است که در زمینه‌سازی تحقق امنیت فرهنگی در عرصه رفتار، تنها توجه به جنبه ایجابی آن کفایت نمی‌کند و امنیت فرهنگی مثل هر پدیده دیگر اجتماعی مواجه با تهدیدات، تعرضات و موانعی است که دولت اسلامی براساس مسؤولیت و وظیفه‌ای که نسبت به صیانت از فرهنگ اسلامی دارد و این که یکی از اهداف مهم حکومت اسلامی حفظ دین (امنیت فرهنگی) است، باید با عوامل مخل امنیت فرهنگی مقابله کند و با توجه به اتکای دولت اسلامی بر مبانی فقهی، در این قسمت نیز باید از مسیری که فقه اسلامی ترسیم کرده است، اقدام کند. مقابله با عوامل مخل امنیت فرهنگی از جهات گوناگون قابل بررسی است، اما اینجا مانند جهت ایجابی، وظیفه دولت اسلامی در مقابله با عوامل مخل امنیت فرهنگی در رفتار مردم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رفتارهای موجب اختلال امنیت، از جمله امنیت فرهنگی جامعه از تخلفات اجتماعی به حساب می‌آید که پیامدهای سوء فراوانی دارد. در فقه اسلامی برای مقابله با این رفتارهای مخل امنیت فرهنگی راهکارهایی ترسیم شده است که دولت اسلامی موظف است طبق رهنمون‌های فقهی و با استفاده از ظرفیت‌ها و امکاناتی که در اختیار دارند، با این نوع رفتارها براساس روش درست و کارشناسی‌شده و مشورت با فقها و اندیشمندان دینی مقابله کند. فرق نمی‌کند چه این‌گونه رفتارها از افراد جامعه سر بزند مانند ارتداد، بدعت و ... و چه از کارگزاران داخل در بدنه دولت مانند سوءاستفاده از قدرت، استبدادگرایی و ...؛ رفتارهای

رسوم. دولت اسلامی حسب مسؤولیتی که در قبال صیانت از فرهنگ اسلامی دارد، باید زمینه‌های شکل‌گیری این معضل فرهنگی را گرفته و پیامدهای سوء فراوان آن را به مردم گوشزد کند و با تشابه‌گران به فرهنگ‌های غیراسلامی در صورت لجاجت برخورد کند. مهم‌تر از همه این است که برجستگی و برتری فرهنگ اسلامی را نسبت به اموری که بیشتر مورد تشبه قرار می‌گیرند، مانند پوشش و ... برای مردم نشان بدهد.

۳-۱-۴- بدعت

بدعت نوعی نوآوری در دین است که در دین نیست، اما به‌عنوان دینی و شرعی وانمود می‌شود (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲/۲۶۴). فقها در برابر اعتقادات و کتاب‌های بدعت‌آموز به شدت موضع گرفته و به پرهیز از بدعت‌گذاران فراخوانده‌اند (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۲/۴۷۹؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۲/۴۹۲؛ مرتضی، ۱۴۰۵: ۲/۲۶۴؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۴: ۴/۲۷۹؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۳۹۰). بعضی، حتی توبه بدعت‌گذار را قابل قبول ندانسته‌اند (صدوق، ۱۳۸۵: ۲/۴۹۲). برخی بر حرمت کتب بدعت حکم کرده است (حسینی عاملی، ۱۴۱۸: ۴/۶۳). شیخ مفید در برخورد حاکم اسلامی با بدعت‌گذاران تأکید و تصریح دارد (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴). بدعت سه پیامد بسیار منفی بر دین و جامعه اسلامی دارد:

- ۱- موجب ترک سنت می‌شود (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۵)؛
- ۲- چهره‌های آشفته و مغشوش از دین ارائه می‌کند؛ ۳- با روندی آهسته و کند باعث دیگرگونی دین می‌شود، مانند تجربه دیگرگونی و استحاله دین مسیحیت. روایات زیادی بر نقش تخریب‌کننده بدعت اشاره دارند، از جمله «هیچ چیزی مثل بدعت موجب از بین رفتن دین نمی‌شود» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱۶۳)، چراکه «هیچ بدعتی پیدا نمی‌شود، مگر آن که سنت نیکویی تغییر کرده و آن سنت رها می‌شود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۶۴). از احادیث می‌توان راهکارهای برای کاهش تأثیرات فرهنگی بدعت استخراج نمود، از جمله بیزاری‌جستن و بایکوت بدعت‌گذار و تأیید اعمال او (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۸۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۲۶۷) در دوره معاصر، بدعت‌های فراگیری توسط فرقه‌های بدعت‌گذار نظیر وهابیت و بهائیت ایجاد شده است (لطیفی، ۱۳۸۶: ۵۹) که نمونه آخر بدعت، حکم جهاد نکاح حتی با محارم در نبرد سوریه است که به‌روشنی با نص قرآن و احکام مسلم نکاح شرعی تعارض دارد.

دین» را به‌عنوان مقصد شرعی به‌خطر می‌اندازد، مثل رفتار برخی از یهودیان در اول اسلام که اول روز مسلمان می‌شدند و پس از آن مسلمانی را ترک می‌کردند و به کیش اصلی خود، یعنی یهودیت برمی‌گشتند (مائده/۶۱ جعفریان، ۱۳۹۲: ۲/۴۶۹). در واقع، شدت احکام فقهی جهت مقابله با ارتداد، بیان‌کننده تأثیر مخرب آن نسبت به دین و فرهنگ دینی است. به این علت قرآن برخورد شدید با ارتداد کرده تا امنیت فرهنگی جامعه حفظ شود (آل عمران/۷۲ و ۹۰: نساء/۱۳۷؛ نحل/۱۰۹-۱۰۶).

۲-۱-۴- تشبه به کفار

یکی از رفتارهایی که موجب تهدید امنیت فرهنگی جامعه می‌شود، مسأله تشبه به کفار است. اگر دولت اسلامی به مسأله حفظ هویت و فرهنگ اسلامی مسلمانان توجه نکند، باعث تغییر در هویت دینی و تقلید کورکورانه آنان نسبت به فرهنگ بیگانه خواهد شد. امام علی (ع) درباره پیامد منفی و ذلت‌بار تقلید و هم‌رنگی با کفار می‌فرماید: «این امت، مادام که لباس بیگانه نبوشد و طعام بیگانه را نخورد، در رستگاری است و چون چنین کند خدا بر او نشان ذلت می‌زند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳/۳۵۶). اگر جلو هم‌گرایی و تشبه به کفار گرفته نشود، ممکن است چنان گسترش پیدا کند که بسیاری از رفتارها و سبک زندگی مثل نوع پوشش و ... شبیه دشمن شود. در این حالت استحاله و دیگرگونی فرهنگی نسبت به فرهنگ اسلامی رخ خواهد داد. نتیجه این می‌شود تشبه به کفار امنیت فرهنگ اسلامی را جدا به مخاطره می‌اندازد. از این‌رو اسلام با تأکید بر این نکته که تقلید و تشابه به هر فرد و گروهی، پیامد هم‌گرایی و هم‌سان‌شدن با آنان را در پی دارد (مجلسی، ۱۴۱۰: ۷۸/۹۳)، از یک‌سو، الگوهای سالم فکری و رفتاری را معرفی کرده (احزاب/۲۱؛ ممتحنه/۴) و از سوی دیگر، با مذموم‌خواندن تقلیدهای کورکورانه و عاری از تفکر و تأمل و نفی الگوهای ناشایست و تقلید از آن‌ها (بقره/۱۷۰)، تشابه به بیگانگان و تقلید از آن‌ها را تحریم کرده است.

این مهم از دیرباز و تحت عنوان «حرمت تشبه به کفار» در کتب فقهی مطرح بوده است و فقها براساس آیات و روایات تشابه به کفار را در لباس‌پوشیدن، آرایش‌کردن، غذاخوردن، روش زندگی و هر چیزی که از ویژگی‌های اختصاصی کفار باشند، حرام دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۰/۱۰ و ۱۱۲/۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴/۳۸۳). تشبه به کفار مصادیق گوناگونی دارد، مانند تشبه به کفار در عبادت، پوشش، آرایش و آداب و

۴-۲-۲- مقابله با رفتارهای محل امنیت فرهنگی از ناحیه کارگزاران

بدون شک انحطاط فرهنگی که امروز دامن گیر مسلمانان شده، عامل اصلی آن عملکرد خودسرانه و ناشایست حکومت‌ها است که بر اثر دخالت‌های بی‌جا و ناشیانه در فرهنگ اسلامی و استفاده‌های ایزاری از دین چنین بلایی را بر سر مسلمانان آورده‌اند. چنان‌که پیامبر اسلام (ص) تصریح فرموده است: «اگر دو صنف از امت من، یعنی امرا و دیگر علما فاسد شوند، امت من فاسد می‌شوند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۰)، چراکه حکام فاسد با توجه به نقش بنیادین فرهنگ در جهت مشروعیت بخشی و تأمین مقبولیت لازم برای حکومت آن‌ها، تلاش می‌کنند فرهنگ را در راستای خواست شخصی و منافع ستم‌گراانه خود جهت بدهند. به دلیل نقش تخریبی حاکم ستم‌گر، در احادیث و آثار فقهی، همکاری با حاکم ستم‌گر بسیار تقبیح شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۹/۱۲-۱۲۸؛ مرتضی، ۱۴۰۵: ۸۷/۲؛ منتظری، ۱۴۱۵: ۴۳۰/۲-۴۳۱)، حتی در روایات، خروج از دین اسلام تلقی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۲/۱۷). دولت اسلامی حسب وظیفه خود باید برای اصلاح یا پاک‌سازی عوامل و کارگزاران فاسد تلاش و همچنین باید بکوشد از عناصر مؤمن و معتقد بهره گیرد، تا بدین‌وسیله ساحت مقدس امت اسلامی را از هرگونه انحراف اخلاقی حراست کرده و سلوک جامعه اسلامی را در جهت حاکمیت ارزش‌های الهی و فرهنگ اصیل محمدی سامان بخشد (کریمی والا، ۱۳۸۷: ۱۳۰)، پس یکی از مسؤولیت‌های اساسی دولت اسلامی، شناخت آسیب‌های رفتاری کارگزاران و راه‌های آسیب‌زدایی و مقابله با آن است. در اینجا به برخی از آسیب‌های رفتاری کارگزاران که نقش بیشتری در اخلال امنیت فرهنگی دارند، اشاره می‌شود:

۴-۲-۱- سوءاستفاده از قدرت

سوءاستفاده از قدرت عبارت است از: «استفاده ویژه مسؤولان و کارگزاران حکومتی از امکانات عمومی و بسترسازی برای سوءاستفاده افراد مرتبط با آنان از بیت‌المال». سوءاستفاده از موقعیت و قدرت، در اسلام بسیار مذموم دانسته شده است، به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خدا لعنت کند کسی را که امکانات عمومی را به خود اختصاص دهد و تصرف شخصی در آن‌ها را بر خویش حلال بداند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۳/۲). از همین روست که امامان معصوم (ع) و به‌ویژه حضرت امیرالمؤمنین تأکید فراوانی بر گزینش صحیح حاکمان و کارگزاران حکومتی و نظارت مستمر بر اعمال آنان دارند تا زمینه سوءاستفاده از

قدرت از بین برود. آن حضرت درباره سوءاستفاده از موقعیت، آنقدر حساسیت نشان می‌دادند که حتی برای بعد از مرگشان نیز نگران غارت بیت‌المال از سوی مدیران بی‌تعهد و تبه‌کاری بودند که با سوءاستفاده از موقعیت حاکمیتی، قصد دست‌اندازی و تعدی به بیت‌المال مسلمانان را داشتند (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲).

۴-۲-۲- اشرافی‌گری

یکی دیگر از آسیب‌های حاکمیتی فراروی حاکمان و کارگزاران، آسیب‌های مالی و زیاده‌خواهی آنان است که می‌توان از آن به اشرافی‌گری تعبیر کرد. این وضعیت به لحاظ میل طبیعی انسان و از جمله حکام به داشتن ثروت نامحدود، زمینه چنگ‌اندازی به بیت‌المال، به‌عنوان ثروت آماده را فراهم می‌کند. برای اهمیت این مسأله همین کافی است که حضرت امیر (ع)، حتی شرکت در مجلس ثروتمندان و اشرافیان را جایز نمی‌داند، چنان‌که آن حضرت در نامه خود به عثمان بن حنیف انصاری (والی بصره) به این حقیقت پرداخته است (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵: ۴۱۶).

۴-۲-۳- استبدادگرایی

قدرت‌طلبی، استبدادگرایی و استضعاف مردم، از دیگر آسیب‌های حاکمیتی است. می‌توان گفت که از بدترین آفات حاکمیتی، همین رفتار مستبدانه است. قرآن کریم درباره این روحیه فرعون می‌فرماید: «فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود، گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت، او به یقین از مفسدان بود!» (قصص/۴).

نتیجه این می‌شود که آسیب‌های رفتاری کارگزاران، پیامدهای سوء‌زیادی دارند، از جمله باعث بی‌اعتمادی و بدبینی مردم به نظام اسلامی شده، فرهنگ رابطه اعتمادمداری بین مردم و حکومت را سلب می‌کند، در نتیجه زمینه‌ساز تضعیف نظام اسلامی می‌شود و شکی نیست با تضعیف نظام اسلامی، فرهنگ اسلامی نیز تضعیف خواهد شد. بنابراین رفتارهای ناشایست کارگزاران تهدید جدی برای امنیت فرهنگی به حساب می‌آید و باید دولت اسلامی جلو این تهدید را با اعمال نظارت دقیق بگیرد. نوع مقابله بستگی به نوع تخلف و رفتار ناشایست کارگزار دارد، مانند جابه‌جایی، توییح، عزل و تنبیه. در پایان خاطر نشان می‌شود که وظایف دولت اسلامی در امنیت فرهنگی از جهت ایجابی و سلبی منحصر به عرصه «رفتار» نیست. عرصه‌های دیگر همچون عرصه بینش و بارو، عرصه قوانین،

سه‌م نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶). *المهذب*. جلد اول، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴). *تحف العقول*. چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد نهم، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
- اکبری، کمال (۱۳۹۲). *فقه سیاسی و جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *مکاسب*. جلد اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*. جلد اول، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- تمیمی آمدی، عبد الواحدی (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم*. قم: دفتر تبلیغات.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). *دعائم الإسلام*. جلد دوم، مصر: دار المعارف.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۲). *تاریخ سیاسی اسلام*. جلد دوم، قم: انتشارات دلیل ما.

سازوکارها، نهادها، مقابله با تهاجم فرهنگی، مقابله با محصولات فرهنگی مانند کتب ضلال، ماهواره‌ها و فضای مجازی گمراه‌کننده و ... هر کدام تحقیق مفصل و جداگانه نیاز دارند.

نتیجه‌گیری

باتوجه به اهداف حکومتی احکام فقهی، دولت اسلامی در امنیت فرهنگی نقش اساسی دارد، اما براساس تناسب حکم و موضوع، قاعده عدم ولایت، اصل حرمت تجسس، اصل اضطرار و تفاوت بین گناه و جرم، قلمرو فرهنگی دولت اسلامی از جهت دخالت، امرونی و ایجاد تکلیف لازم‌الاجرا برای افراد جامعه، اختصاص به حوزه اجتماعی دارد و در حوزه فردی و خصوصی حق دخالت و امرونی ندارد. فقه اسلامی در راستای تعیین وظیفه دولت اسلامی نسبت به زمینه‌سازی تحقق امنیت فرهنگی در رفتارهای مردم و کارگزاران و همین‌طور در راستای تعیین وظیفه دولت اسلامی در مقابله با رفتارهای تهدیدکننده امنیت فرهنگی از ناحیه مردم و کارگزاران از ابزار و ظرفیت‌های لازم برخوردار است و دولت اسلامی باتوجه به مسؤولیت و تکلیفی که نسبت به صیانت از فرهنگ اسلامی دارد، موظف است از آن ظرفیت‌ها و ابزارها برای زمینه‌سازی تحقق امنیت فرهنگ اسلامی و مقابله با عوامل مخل آن استفاده کند، البته باید توجه داشت که دولت مساوی با فرهنگ اسلامی نیست، یعنی امنیت فرهنگی تنها توسط دولت تأمین نمی‌شود و وظیفه دولت در این مسأله بیشتر حمایتی است تا اجرایی و دخالتی. اگر دولت به وظیفه خود از منظر فقهی در قبال فرهنگ اسلامی، مخصوصاً به وظایف خود در قبال حقوق نظارتی مردم عمل نکند، قطع نظر از مواجه‌شدن با خطر انحراف و استبداد، تردیدی نیست که میزان آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و دخالت‌های دولت در امور فرهنگی تنزل پیدا کرده، در این صورت دولت خود بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت فرهنگی به حساب می‌آید، چنان‌که تجربه تاریخی به روشنی اثبات کرده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

- جمالی، حسین (۱۳۸۰) *تاریخ و اصول روابط بین الملل*، تهران: نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- جوادى آملی، عبد الله (۱۳۸۸). *ادب فنای مقرران*. تحقیق محمد صفایی، جلد ششم، قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصالح*. جلد پنجم، بیروت: دارالعلم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، جلد سوم، چهارم، هشتم، یازدهم، دوازدهم، چهاردهم، شانزدهم و هفدهم، قم: مؤسسه آل البيت (ع)
- حسینی عاملی، محمد جواد (۱۴۱۸). *مفتاح الکرامه*. جلد چهارم، بیروت: دارالتراث.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). *تذکره الفقها*. جلد دوم و چهارم، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *منتهی المطلب*. جلد اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (بی تا). *تحریر الاحکام الشرعیه*. جلد اول، مشهد: موسسه آل البيت (ع).
- خوانساری، محمد باقر (۱۳۹۲). *مناهج المعارف*. ترجمه میر سید احمد، تهران: امیرکبیر.
- دیلمی، حسن (۱۴۱۲). *ارشاد القلوب الی الصواب*. قم: شریف رضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالعلم.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۵). *المنثور فی القواعد الفقهیه*. جلد اول، کویت: وزارت اوقاف کویت.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف*. جلد سوم، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
- شاول، ملک (۱۳۸۹). *حقوق بین الملل*. ترجمه حسین وقار، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- شبان نیا، قاسم (۱۳۸۵). *آثار جهاد در روابط بین الملل*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: کتاب فروشی داوری.
- طباطبائی (علامه)، محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان*، جلد پانزدهم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *الاحتجاج*. جلد یکم، مشهد: نشر المرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. جلد نهم، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). *مجمع البحرین*. جلد پنجم، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). *المبسوط*. جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). *تهذیب الاحکام*. جلد پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*، جلد یکم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۴). *بنیادهای علم سیاست*. چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (بی تا). *القواعد والفوائد*. جلد اول، قم: کتابفروشی مفید.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح المعه*. تحقیق و تصحیح علی اکبر کلانتر، قم: کتابفروشی داوری.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۴). *مسالك الافهام*. جلد سوم و سیزدهم، بی جا: الموسسه المعارف الاسلامیه.
- عبدلی، حسین (۱۳۹۱). *شیعیان افغانستان*. تهران: مضراب.

- علی‌زاده، سلمیان (۱۳۹۳). «ابعاد و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی (ره)». مجلات تخصصی نور، ش ۱۰، تابستان: ۹۵-۱۲۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱). *فقه سیاسی*. جلد اول، تهران: امیر کبیر.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۰۶). *احیاء علوم‌الدین*. جلد دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*. جلد بیست و چهارم، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). *العین*. جلد پنجم، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- فضل‌الله، محمد حسین (۱۴۱۹). *تفسیر من وحی القرآن*. جلد هفدهم، بیروت: دارالملاک للطباعه والنشر.
- فیروز آبادی، محمد (۱۴۲۶). *القاموس المحیط*. جلد یکم، چاپ هشتم، بیروت: المؤسسة الرساله للطباعه والنشری والتوزیع.
- فیروز آبادی، محمد (بی‌تا). *قاموس اللغة*. جلد ششم، بیروت: دار الجلیل.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). *الوافی*. جلد دوم و بیست و دوم، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).
- فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). *مصباح المنیر*. جلد دوم، قم: منشورات دارالرضی.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۴۲۲). *کشف الغطاء*. جلد چهارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). *القول المبین عن وجوب مسح الرجلین*. قم: دارالذخائر.
- کریمی والا، محمد رضا (۱۳۸۷). *وظایف متقابل مردم و حکومت در حاکمیت علوی*. قم: بوستان کتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *اصول کافی*. جلد یکم، دوم، چهارم و پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۹۲). «امنیت فرهنگی از منظر فقه شیعه». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال ۱۶، ش ۴، ش مسلسل ۶۲ زمستان: ۳۱-۵۸.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۹۳). «مطالعات فقهی امنیت». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. سال نهم، ش ۲، بهار: ۱۸۱-۲۰۶.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰). *بحارالانوار*. جلد دوم، دهم، بیست و هفتم، شصت و پنجم، هفتاد و پنجم و هفتاد و هشتم، بیروت: المؤسسة الطبع والنشر.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *سرائع الاسلام*. جلد دوم و چهارم، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸). *المختصر النافع*. جلد یکم، چاپ ششم، قم: المؤسسة المطبوعات‌الدینیّه.
- مدنی، جلال‌الدین (بی‌تا). *تاریخ سیاسی معاصر ایران*. جلد یکم، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵). *رسائل الشریف المرتضی*. جلد دوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- مشکینی، میرزا علی (بی‌تا). *مصطلحات الفقه*. بی‌جا.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. جلد یکم، چاپ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *اوائل المقالات*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. جلد سوم و چهاردهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). *دایره المعارف فقه مقارن*. قم: مدرسه امیر المؤمنین (ع).

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷). برگزیده تفسیر نمونه. جلد سوم، تهران: دارا الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). تعزیر و گستره آن. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵). *دراسات فی المکاسب المحرمه*. جلد دوم، قم: تفکر.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶). *صحیفه نور*. جلد هفتم، هشتم، دهم و سیزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۵). *تحریر الوسیله*. ترجمه علی اسلامی، جلد دوم و چهارم، چاپ بیست و یکم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- موسوی خمینی، روح الله (بی تا). *مبارزه با نفس یا جهاد اکبر*. قم: انتشارات آزادی.
- موسوی کاشمری، مهدی (۱۳۸۸). *دولت اسلامی و امنیت*. قم: دبیر خانه مجلس خبرگان رهبری.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام*، جلد دوم، چهاردهم، بیست و یکم، بیست و دوم، بیست و نهم، چهل و یکم و شصت و پنجم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، احمد (۱۴۱۷). *عوائد الایام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نوروزی، محمد جواد (۱۳۹۴). *فلسفه سیاسی اسلام*. چاپ پنجم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- واعظی، احمد (۱۳۸۳). *حکومت اسلامی*. چاپ سوم، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *المغازی*. جلد دوم، بیروت: المؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶). *نظریه های دولت*. ترجمه حسین بشریه، تهران: نشر نی.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۱۷). *معجم فقه الجواهر*. جلد هفتم، بیروت: الغدیر للطباعه والنشر والتوزیع.
- همدانی، آقا رضا بن محمد (۱۴۱۶). *مصباح الفقیه*. جلد سیزدهم، قم: المؤسسة الجعفریه لإحیاء التراث.